

## قضیه ۱۴ آذر به روایت اسناد مجلس

محمد چگینی  
مهدی احمدی

### مقدمه:

یکی از پدیده‌های شگرف تاریخ ایران در دوره محمدرضاشاه حضور گسترده لوطیان یا لمپن‌ها در صحنه سیاست بود که نقش مهمی در جریان‌های سیاسی ایفا نمودند. با شروع نهضت ملی ایران فعالیت آنان وارد مرحله جدیدی شد، حزب توده، دربار و شرکت نفت انگلیسی از لوطیان برای ضربه زدن به جبهه ملی و دولت مصدق استفاده نمودند. البته نباید فراموش کرد که برخی از سران جبهه ملی هم این بزن بهادرها را استخدام کردند تا اهداف خود را از طریق آنها دنبال نمایند. مثلاً دکتر بقایی در اوایل تشکیل جبهه عده‌ای از آنها را به عضویت حزب زحمتکشان درآورد تا علیه حزب توده از آنها بهره گیرد. در طول دوره زمامداری مصدق زد و خورد‌های شدیدی بین حامیان احزاب مختلف رخ داد که معمولاً از حوزه کنترل دولت خارج بود؛ زیرا عموماً از طرف دربار یا شخصیت‌های ذی‌نفوذ هدایت می‌شدند. حادثه ۲۳ تیرماه و ۱۴ آذر ۱۳۳۰ از مهمترین این قایع بود که هر دو آنها برای ضربه زدن به اعتبار مصدق طراحی شده و مجریان تا حدی در این راه به خواسته خود رسیدند.

### قضیه ۱۴ آذر:

در مهر ماه ۱۳۳۰ مصدق برای رسیدگی به شکایت انگلستان از ایران به سازمان ملل رفت در بازگشت از مصر نیز بازدیدی به عمل آورد، به همین علت مدت زمان این مسافرت تقریباً طولانی شد. از این رو بسیاری از مخالفان به این فکر افتادند تا از غیبت نخست‌وزیر به نفع خود استفاده نموده و اوضاع را متشنج کنند. طرفداران دربار از تریبون مجلس علیه مصدق بهره می‌بردند، اما در بیرون مجلس هم حزب توده کمافی‌السابق به آشوب طلبی خود در کوی و برزن ادامه داد. بعد از بازگشت مصدق آنها بار دیگر درگیری‌های



خیابانی را از سر گرفتند. در روز ۱۴ آذر کمیته مرکزی حزب توده از گروه‌های وابسته به خود درخواست کرد به منظور اعتراض به اقدامات ضد فرهنگی و برخورد بد با دانشجویان رأس ساعت ۸ صبح در محوطه دانشگاه تهران تجمع کرده تا از آنجا به طرف بهارستان تظاهرات نمایند. دولت که از این ماجرا اطلاع یافت از طریق رادیو و دیگر رسانه‌ها از دانشجویان و دانش آموزان خواست از تظاهرات خودداری

نمایند. مصدق که از واقعه ۲۳ تیر به عدم تسلط خود بر شهربانی و فرمانبرداری آن از شاه و دربار آگاه بود برای جلوگیری از وقوع اتفاق مشابه دیگری از حامیان حزب کمونیستی توده خواست از برگزاری هرگونه تحصن خودداری کرده و در دوره‌ای که مبارزه با انگلستان استعمارگر در اوج بود بهانه مناسب برای دخالت آنان در امور ایران در اختیارشان قرار ندهند. اما حزب توده در آن زمان تنها به هدف خود یعنی ایجاد اغتشاش برای تضعیف دولت دکتر مصدق می‌اندیشید، سران حزب بی‌توجه به این اخطار طرفداران خود را در چهار راه پهلوی جمع کرده و به طرف شاه‌آباد و بهارستان راه افتادند. در مسیر حرکت جمعیت زیادی از طرفداران نهضت ملی به ویژه علاقمندان به دو رهبر محبوب یعنی دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی برای خنثی کردن تظاهرات حزب توده با شعارهای خاص خود به طرف بهارستان راه افتادند.

هرچند این روی سکه به ظاهر یک راهپیمایی آرام بود اما همان‌گونه که رئیس دولت درباره پیشامد این اقدام خودسرانه هشدار داده بود تظاهرات خشونت و درگیری همراه شد. چاقو کش‌ها و لات‌های به ظاهر وابسته به حزب زحمتکشان، سومکا، پان ایرانیست و شخص شمس قنات آبادی وارد معرکه شده و با چوب و چماق به تظاهر کنندگان حمله کردند. آغاز دومین پرده میتینگ ۱۴ آذر با حادثه قتل یک سرهنگ شهربانی به نام نور شاد آغاز شد. شعبان جعفری در خاطرات خود می‌گوید در آن روز او رهبری بزن بهادرها را بر عهده داشت و هنگامی که نورشاد کشته شد به درخواست فرزند وی آنها وارد معرکه شده‌اند<sup>۱</sup> و شهربانی هم از او حمایت کرده تا آشوب مطابق برنامه پیش برود. از این لحظه به بعد که ظاهراً حدود ساعت یازده ظهر بوده وقایع غیر منتظره‌ای رخ داد که بسیاری از سیاسیون از جمله اعضای دولت را شگفت‌زده کرد. گروه چاقوکش به رهبری شعبان بی‌مخ، حسین نافی، حسن عرب، احمد عشقی و عباس کاوسی به بهانه طرفداری از دولت دفاتر حزب توده، جمعیت مبارزه با استعمار، جمعیت آزادی ایران و روزنامه بسوی آینده را به آتش کشیدند. آنها به این هم قانع نشده و برای رد گم کردن و از بین بردن شائبه دخالت محافظه کاران به دفاتر روزنامه‌های درباری و محافظه کار مخالف دولت نیز هجوم برده و این دفاتر را غارت کردند.

۱. برای آگاهی از این قضیه ر.ک هما سرشار، خاطرات شعبان جعفری، تهران، آبی، ۱۳۸۱، ص ۶۹.

طبق اسناد موجود در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی روزنامه آتش، طلوع، فرمان و جانسپاران میهن، شرکت شرق میانه و ساختمان تئاتر سعدی از جمله مراکز آسیب دیده هستند. مدیران مسئول نشریات مزبور در اعتراض به این اقدام و تا زمان تضمین امنیت جانی در مجلس سنا تحصن کردند.

علاوه بر دخالت مخالفان دولت با توجه به حضور گسترده احزاب وابسته به جبهه ملی این روز فرصت مناسبی در اختیار برخی چهره‌های قدرت طلب جبهه از جمله بقایی قرار داد تا از یک سو به وجهه مصدق ضربه زده و از سوی دیگر آنگونه که علی رهنما می‌گوید به تسویه حساب با عده‌ای از مخالفان خود پرداخته و آنرا به پای هیجان مردم بنویسد. در این روز چاقوکش‌ها با شعار «زنده باد مصدق زنده باد بقایی» شهر را به هم ریختند و بقایی به حامیان گردن کلفت خود دستور داده بود تا به روزنامه‌های راست‌گرا از جمله آتش که در یکی از شماره‌هایش حزب بقایی را حزب چاقو کشان نامیده بود حمله کنند تا هم زهر چشمی به مخالفان نشان داده و هم مصدق را رهبر عده‌ای چاقوکش معرفی نماید و مردم را علیه نخست وزیر بشوراند. میدلتون کاردار سفارت انگلستان نیز حمله به دفاتر روزنامه‌های جناح چپ و راست را زیر سر قلد‌های حزب زحمتکشان می‌داند.<sup>۲</sup>

با آنکه مصدق در طول زمامداری‌اش تسلط کاملی بر شهربانی نداشت اما به عنوان رئیس دولت می‌بایست پاسخگوی این ناامنی و آنگونه که در اسناد زیر می‌آید مشارکت و همراهی شهربانی با چاقوکشان باشد. ظاهراً این قضیه از پیش طرح ریزی شده بود و علاوه بر دخالت اشخاصی نظیر بقایی شهربانی هم در این مورد نقش مهمی ایفا نمود. هنگامی که بحث در این باره به مجلس شورای ملی کشیده شد برخی از نمایندگان وابسته به دربار مانند جمال امامی با انتقاد شدید از عملکرد دولت آنرا طرح مصدق برای دخالت در انتخابات نامیده و به نشانه اعتراض با شماری از مخالفان دولت در مجلس تحصن کرد. اما آشتیانی‌زاده ضمن انتقاد از مصدق به نقش مستقیم رئیس شهربانی در غارت دفاتر نشریات به ویژه مراکز

توده‌ای اشاره کرد.<sup>۳</sup> قضیه از این قرار بود که سرلشکر مزینی به ضدیت با توده شهره بود و در زمان ریاست دوماه‌اش شعبان جعفری را با حقوق ماهیانه ۳۰۰ تومان استخدام کرد تا از او برای مقابله خیابانی با کمونیست‌ها بهره ببرد. با رفتن او از شهربانی جعفری همچنان در خدمت آن سازمان باقی ماند تا برای چنین روزی مورد استفاده قرار گیرد. ظاهراً شهربانی



۱. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، اسناد دوره اول سنا، کارتن ۶۵، جزوه دان ۱۱، پوشه ۵۳۸، برگ ۵۵، ۹۲، ۱۰۵-۱۰۸، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۲.

۲. علی رهنما، نیروهای مذهبی در بستر نهضت ملی، طرح نو، ۱۳۸۲، ص ۵۷۲-۵۷۷.

۳. مذاکرات مجلس، دوره شانزدهم، ش ۱۹۹۰، ۱۲۴ آذر ۱۳۳۰، صص ۳-۷.

در این روز تعهد داشت علاوه بر جلوگیری نکردن از اقدام اغتشاش‌گران آنان را تحت حمایت خود گرفته تا کسی متعرضشان نشود. البته می‌توان احتمال داد که بقایای با توجه به حضور حسین خطیبی (از دوستان نزدیک وی) در اداره اطلاعات از کلیه برنامه‌ها شهربانی آگاهی داشت بنابراین این از این فرصت بهره برد و با فرستادن چماق به‌دستان خود آنچه را که به زیان مصدق بود به مرحله اجرا درآورد تا چهره نخست‌وزیر را مخدوش سازد.

این واقعه به اعتبار مصدق صدمات زیادی وارد کرد، تمام این فجایع به نام او تمام شد، او در طول ۲۷ ماه زمامداریش هیچگاه برای مطبوعات محدودیتی ایجاد نکرد. مصدق در آغاز نخست‌وزیری‌اش به شهربانی دستور داد چنانچه هر کدام از نشریات علیه شخص او مطلبی نوشتند به هیچ وجه با آنها برخورد نکنند. اما این بار او متهم به سرکوب و اهانت به نشریات شده بود. روز بعد این حادثه مصدق از وقوع آن ابراز تأسف کرد و مسئولیت حوادث صبح را پذیرفت اما وقایع بعد از ظهر را غیر مترقبه دانست که اصلاً پیش‌بینی آنرا نکرده بود. دکتر فاطمی - معاون نخست‌وزیر - هم در نخستین مصاحبه بعد از ۱۴ آذر از حوادث صبح ابراز تألم نکرد ولی از آنچه در بعد از ظهر اتفاق افتاد اظهار تأسف نمود و آنرا نقشه‌ای از سوی عناصر افراطی جبهه، حزب توده و چماق‌داران درباری برای سرنگونی دولت از ریایی کرد. دولت که از هر سو تحت فشار بود هیئتی را مأمور رسیدگی به این قضیه نمود در نتیجه تحقیقات رهبر مهاجمان یعنی شعبان بی‌مخ مقصر اصلی معرفی و به زندان افتاد.

## سند شماره ۱

جناب آقای تقی زاده رئیس مجلس سنا

دیروز سه بعد از ظهر عده‌ای از حزب زحمتکشان بسر دستگی شعبان بی‌مخ و در پناه پلیس به کتابخانه من حمله برده کلیه هستی مرا غارت کردند و کتابخانه را با خاک یکسان کردند فعلاً نه من سرمایه از دارم نه تأمین جانی، یگانه راهی که به نظرم رسید این بود چون از هستی ساقط شده‌ام در مجلس شورا متخصن شوم که شاید یک دادرسی پیدا شود یک نفر نماینده بفرستید ببینید [در اصل به ببینید] آیا شمر در صحرای کربلا چنین معامله‌ای را کرده، مگر ما بشر نیستیم، در حبشه و زنگبار به مردم بیگانه این طور معامله نمی‌کنند، من با چند سر عائله از هستی ساقط شده و ابداً راه و چاره ندارم، تقاضای رسیدگی دارم. عباس سنجرى ۳۰/۹/۱۵

حضرت آقا علی نقی زلف رئیس مجلس سنا  
مهر ۱۳۸۸

دردزنده بعد از ظهر عدد از حزب زحمت‌ان پس درستی بمان  
ببخ و در پناه بیس بکتی نه من همه برده طبعه هستی مرا غارت  
کردند و کتبی نه را با خاک سنا کردند فعلاً نه من سر به ای دارم  
نه تا من جانی، نگانه را اهی که نظرم رسید این بود چون  
از هستی سا قط اندم در مجلس شد را مقصودم که شایه یک  
دادوسی بیدار شد یک نفر ناسیده بفرستید به بینه، آری بشیر  
در صورت آری با چنین معامله ای کرده، مگر ما بشیر نیستیم، مگر ما اهل  
ایران نیستیم، در حقیقت و نگار بر سر مردم بگنجه این طریقه معامله  
نمکنند، من با جنید سر عهد از هستی سا قط شده و ابداً راه  
و چپ صفا ایم، تقاضای رسیدگی دارم

عباس نجفی  
۲۰۹/۱۵

روزنامه اطلاعات  
شماره ۲۴۴  
تاریخ ۱۳۸۸/۹/۱۵

۱۰/۹/۱۶

۱۱  
۵۶

۱۱  
۹۷  
۵۳۰

مقام محترم ریاست مجلس سنا

محترماً خاطر عالی را مستحضرمیدارد که اینجانب طبقه فوقانی خانه خود را واقع در خیابان سعدی به شرکت شرق میانه اجاره داده ام . مدیر آن شرکت برخلاف میل اینجانب دواطاق را به روزنامه طلوع اجاره داده بود - روز پنجشنبه ۴ آذر مقارن ظهر جمعیتی باجوب و جماعتی از درهم شکستن اداره روزنامه فرمان که در همان خیابان واقع است به اداره روزنامه طلوع ریخته علاوه بر شکستن میز و صندلی آنجا درون جیره اطاقهای انجرا که متعلق باینجانب است نیز شکسته اند .

مستعدی است امر مقرر فرمایند که بهقامات مربوطه نوشته شود انجد را بازدید و خسارت وارده را فوراً جبران نمایند که بتوان انجارات تعمیر کرد .

سپهبد نخجوان

عبدالله

چنانکه خواسته اند شرحی بوزارت کشور

نوشته شود سید حسن تقی زاده

پروفسور گاه علوم انسانی دانشگاه تبریز

مجمع علوم انسانی



### سند شماره ۳

وزارت پست تلگراف و تلفن

تلگراف


از: مجلس

به: ط

[۱۳۳۰/۹/۱۹]

تهران جناب آقای دادستان کل کشور رونوشت ساحت مقدس مجلس شورای ملی رونوشت ساحت مقدس مجلس سنا، رونوشت روزنامه‌های اطلاعات، کیهان، داد ایران، صدای مردم، طلوع، آتش ایران، کسری، تهران مصور، رونوشت جنابان آقایان نیک پور، ظهیرالاسلام، سپهبد احمد خواجه نوری، نمایندگان محترم سنا رونوشت جنابان آقایان سید علی بهبهانی [ناخوانا]، جمال امامی، صدر کشاورز، ناصر ذوالفقاری، خسرو قشقایی، دکتر سید امامی نمایندگان مجلس شورای ملی در ساعت یک بعد از ظهر روز ۳۰/۱/۱۴ عده‌ای از چاقوکشان دولتی و افراد وابسته به دسته‌های دولت به سرکردگی شعبان بی مخ، عباس کاوسی و عشقی کلیه اثاثیه دفتر روزنامه فرمان را به سرقت برده و در تمام مدت پلیس بر طبق دستور، سرتیپ دانشپور آنها را حمایت کرده و این عده به قصد آسیب رساندن به جان بنده در منزل شخصی بنده تعقیب نموده، مجبوراً به علت نداشتن امنیت جانی و آزادی از ساعت ۳ بعد از ظهر مزبور در عمارت بهارستان تحصن اختیار نموده و چون تا این ساعت هیچ یک از مقامات انتظامی حتی حاضر به پذیرفتن شکایت اینجانب نشده‌اند بدینوسیله تقاضای احقاق حق و رسیدگی به این شکایت به سمع ملت ایران را دارم.  
عباس شاهنده


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شماره کتاب ..... ۲۲۴۳  
 سال ..... ۱۳۲۲  
 وزارت پست و تلگراف و تلفن  
 تلگرافی

از مجلس به ط	موضوع	تاریخ ارسال		توضیحات	تاریخ وصول	
		روز	ماه		روز	ماه
۲	تلگرافی	۱۶	۲۰۰		۱۶	۱

تهران جناب آقای دادستان کل کشور رونوشت ساحت مقدس مجلس شورای  
 ملی رونوشت ساحت مقدس مجلس سنا رونوشت روزنامه های اطلاعات کهبان  
 داد ایران صدای مردم طلوع افروز ایران کسری تهران مصور رونوشت  
 جفاپان آقایان نیک پور ظهیر الاسلام صیبه احمدی خواجه تهری  
 نمایندگان محترم سنا رونوشت آقایان سید علی بهبهانی گلایبی  
 جمال انصاری صدر کشاورز ناصر ذوالفقاری خسرو تقیانی دکتر سید امینی  
 نمایندگان مجلس شورای ملی در ساعت ۱۰ بعد از ظهر روز ۱۶/۱/۳۰  
 ۳۰ مدتی چون کشتان دولتی و افراد وابسته بدست های دولت پند  
 سرکردگی شمعیان بیخ عباس کاوسی عشقی کلیه ائامه دفتر روزنامه فرمان را  
 مسروقت کرده و در قلم مدتی پلیس بر طبق دستور سرتهب دانی پور آنها را  
 حمایت کرده و این جده بقصد اسباب رساندن بجان پنده در منزل شخص  
 پنده تعقیب نموده جبروا بملیت نداشتن امنیت جنی و ازادی از ساعت  
 ۳ بعد از ظهر نیز در صارت بهارستان تحصن اختیار نموده و چون تا  
 این بگشت هر یک از ائامه و عباس عشق حاضر به پذیرفتن شگای پنا پنج تب  
 ندادند پس به تقاضای احقاق حق و رسیدگی باین شگایت بسمع ملت  
 انرا در این مجلس شاهانده

  
 با سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی همکاری کنید

پیام بهارستان / ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲ / زمستان ۱۳۸۸



نظر شده است  
۷۹/۲۴  
تلگرافی: «متکو»  
تلفن ۳۸۸۸۷

شرکت سهامی بازرگانی شرق میانه

شماره .....  
نهران تاریخ ۱۹/۹/۱۳۳۰

جنسآب آقای رئیس مجلسینما

دراواپلسال ۱۳۳۰ بعلت وضع بد اقتصادی ولتوز توجه بتسویه ومیکانیزه کردن کتا وری و فراهم نمودن وسافل  
کارونین زراعت عده دورنم جبه شده ویا تأسیس شرکعی بنام شرکتهای می بازرگانی شرق میانه متحمل زیان مادی ومعنوی  
زیادی گردیدند تا موفق عدندتالمیهای آبیاری - تراکتور - کمپاین وسایر ماشین آلات کتا وری را در نقاط مختلف کشور -  
معرفی نمایند و برای همیشه افتخار برچهاروی تغییر عوامل کتا وری را برای خود حفظ کنسند \*

موظفین هفتسال اخیرچه زحمات ومشقات طاقت فرسائی در پیدا کردن ماشین آلات کتا وری مورغوب ومحکم - تهیه ارز  
و وارد کردن آنها متحمل شد و اندک قدری شروج و زیان دست کفارح از موضوع این عرضه میباشند - ولی در تمام این مدت تنهاسا  
موضوعیکه موجبات تشویق ونیاط کارکنان و خدمتگذاران شرکت را فراهم مینمود عمل مثبت و خدمت مفیدی بود که در راه تسویه  
کت - ا ز دیاد محمول به بهبود وضع رهاجا ویا لایردن سطح زندگانی آنها بعمل آید و در کلیه نقاط کشور برای العین مشاهده میشد  
که ماشین آلات کتا وری بتدریج جایگزین حیوانات کار میشد و مردم زحمت کرا بران از فقر و بیچارگی و تنگمستی رهائی  
میآیند و با امید زندگانی بهترو مرفه تری تلاش میکنند \*

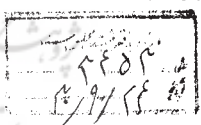
بدینجا نه وقایع تأثیر آور ۱۴ آذر کلیه زحمات ومشقات هفتساله ما را در تهیه آیشیو مرتب ومنطقی که در نتیجه میکا تبه  
با کلیه کارخانجات کوچک و بزرگ جهان تهیه شده بود و حاوی اطلاعات بسیار دقیقیتو ز نظر فنی ومیکانیزه ساختن کتا وری بوده -  
ازین برد و علاوه بر ذراتها بداری - اطمینان - لوازم یدکی ماشین آلات موجوده - ماشینهای تحریر - تلفونها - رادیو کتا بخانه  
شرکت ومقدار زیادی قرض که کلا زمین رفتمندون شرکتهای میانه و سایر مشخصات با زودا را شی نقدی اسناد اسباب دار و مدارک  
وسهام بی نام وغیر شرکتهای میانه را به ما رسانده است \*

با وجودیکه شرکت در دوره عمل خود متحمل بار برد کردن ماشین آلات کتا وری مبادرت نموده و با کارمزد فوق العاده ناچیزی  
اکتفا کرده است مع الوصف متجا وریا زیانهای بسیار دولت عاید شده و امیدوار بوده است در مقابل درجعات فوای  
تأمینیه وانتظامی کشوره کسب وکار مفید خود ادا میده و در اعمی ومکتب شرکت که کاتمعلق بیکمده ایرانی است در حفظ دولت علیه باعد \*

متأسفانه واقعه موموم ۱۴ آذر شرکتهای می بازرگانی شرق میانه را با غنا یکسان نموده و میالغ هنگفتی خسارت -  
بشراک و اراضی اخذ است - از این جهت اذتنعام عالی تقاضا دارم مقرر فرمایند مقامات مربوطه بضمایر این موضوع نا مطلوب این شرکت  
رسیدگی نموده و با مجازات مرتکبین زیان وارده را رسیدگی وجبران نمایند \*

با تقدیم احترامات  
شرکتهای می بازرگانی شرق میانه

مصطفی  
تبریزی



مردم حق صدقه به سرش و بیادگاری ۱۳۳۰

پیام بهارستان / د.د. س. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸

## سند شماره ۵

به مقام ریاست مجلس سنا

۳۰ دی ماه ۱۳۳۰

جناب آقای ابراهیم خواجه نوری و جناب آقای ابوالفضل لسانی نمایندگان محترم مجلس سنا در پاسخ استعلامی که فرموده‌اند عرضه میدارد، در شکایت همان است که در روز روشن «۱۴ آذر ۱۳۳۰» و غیبت اینجانب عده‌ای که می‌گویند از افراد حزب زحمتکشان بوده‌اند چند مؤسسه را در خیابان سعدی غارت کرده‌اند یکی هم دفتر اینجانب واقع در خیابان سعدی جنب روزنامه فرمان و سیاسی و روبروی کوچه ممتاز بوده که در گزارش بازرسان تایید و جناب آقای پیراسته در جلسه سه شنبه نوزدهم آذر مجلس شورای ملی درباره بنده و غارت این دفتر بیاناتی نموده و کسبه مجاور نیز شهادت دادند عین شهادتنامه کسبه همجوار محل دفتر و صورت مشروح مذاکرات مجلس را که در صفحه هفت آن تصریح شده و صورت اثابیه‌ای که به یغما رفته تقدیم و اضافه می‌نماید که قسمتی از اوراق یغما شده را نمیتوان تقویم کرد زیرا از نظر بنده که یک وقت طولانی صرف کرده‌ام و ذی‌قیمت و از نظر چپاولچی‌ها که ارزشی نداشته است با عرض احترام

پارسا توپسرکانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

بسم الله الرحمن الرحیم

۱۳۳۰/۰۴/۳۰

خاسته بر اثر ابرام خواجه نصیر و خاسته بر اثر ابرام خواجه نصیر

« ۱۳۳۰/۰۴/۳۰ »

در این اسنادی در کتب قدسیه که در این کتاب است در مورد این  
 وقت است که یکی از بزرگان از افراد خیرین این شهر خدیو را  
 در میان سرفراز کرده که در یک نام و فریب و در میان  
 خاسته بر اثر ابرام خواجه نصیر و خاسته بر اثر ابرام خواجه نصیر  
 خاسته بر اثر ابرام خواجه نصیر و خاسته بر اثر ابرام خواجه نصیر  
 بنام و خاسته بر اثر ابرام خواجه نصیر و خاسته بر اثر ابرام خواجه نصیر  
 عن الله خاسته بر اثر ابرام خواجه نصیر و خاسته بر اثر ابرام خواجه نصیر  
 در صورتی که شرح شده و صورت داشته باشد  
 عدم در وقت این صفت از ابرام خواجه نصیر و خاسته بر اثر ابرام خواجه نصیر  
 در اول نظر این که در اول نظر این که در اول نظر این که  
 در اول نظر این که در اول نظر این که در اول نظر این که

در اول نظر این که در اول نظر این که در اول نظر این که  
 در اول نظر این که در اول نظر این که در اول نظر این که  
 در اول نظر این که در اول نظر این که در اول نظر این که

روز و تاریخ ثبت سند
۳۹۹۷
شماره
۱/۱۱/۱۳۳۰

۱

سند شماره ۵

## سند شماره ۶

۵ بهمن ۱۳۰

جنابان آقایان لسانی و خواجه نوری سناتورهای محترم

اینجناب مصطفی وزباری یکی از غارت شده‌گان روز ۱۴ آذر میباشم - روز مزبور در حدود یک الی یک ساعت و نیم بعد از ظهر عده [ای] با چوب و چماق اول به عمارت روزنامه فرمان حمله ور شده و پس از شکستن کلیه ائاثیه و پرتاب نمودن آنها با کلیه اوراق به خیابان به عمارت سپهبد نجوان هجوم آورده و پس از شکستن قفل در وارد عمارت گشته کلیه درها که مقفل بوده شکسته، اول اطاق اینجناب را که محل سکنی و محل تجارتخانه بوده تاراج و چپاول نموده یعنی کلیه ائاثیه را به خیابان پرتاب نمودند و پس از آن اطاق‌های مسیو کابریل سارکیس و شرکت شرق میانه و دفتر اسناد رسمی شماره ۱۲۴ و دفتر روزنامه طلوع حمله نموده و ائاثیه آنجا را نیز شکسته و به خیابان پرتاب نمودند - پس از فراغت از این عمل به دفتر روزنامه آتش که آن طرف خیابان بوده ریخته کلیه ائاثیه را شکسته به خیابان ریختند - پس از خاتمه عمل و متفرق شدن اوباش عده [ای] نظامی و پاسبان وارد و نظم را برقرار نمودند ولی از ائاثیه پرتاب شده به خیابان چیزی باقی نمانده بود و توسط اشخاص ربوده شده بوده است. به طوری که در بالا ذکر شده چون محل سکنی و اطاق تجارتهی اینجناب در همان محل بوده است به کلی از هستی ساقط گردیده‌ام و جریان قضایا را به تمام ادارات مسؤل گزارش داده و پرونده مربوطه فعلاً در دادسرای تهران است و طبق صورتی که اینجناب به مقامات قضایی گزارش نموده ام ائاثیه چپاول شده اینجناب در حدود پانصد هزار ریال می‌باشد.

با تقدیم احترامات - مصطفی وزباری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ریال جامع علوم انسانی

۵ بهمن ماه ۱۳۸۰

ازین امر استثنای  
 ۶/۱۱/۸۰

ناحیه آقایان انسانی و خواسته نمره شناخته شده به محترم

اینجانب مصطفی وزیاری یکی از فارغ التحصیلان گران روز ۱۴ آذر میباشم - روز دهم در روز یکم آذر ۱۳۸۰  
 بعد از ظهر در ساعت ۱۰ صبح و چهارم اول به مارت روزنامه فرمان - حمله ور شده - پس از آن که تم کتبه اناشیه و برتات  
 لطیفین آنها را کتبه اوراقی بخمایان به مارت نیمه سار - سپید نخووان هجوم آورد - پس از آن که قتل در وارد  
 مارت کشته کتبه در ده که مقفا بوده شکسته اول اخذاتی اینجانب را که مجاز حکمی و مجاز تجارتی آنه بوده - تراچ  
 و چهارم نمود به یمنی کتبه اناشیه را بخمایان برتات نمودند - پس از این اتمام مهیو کاترول سار کتبه و سرت  
 شرق میانه و دفتر اسناد رسمی شماره ۱۳۹ و دفتر روزنامه سلوک - مله نمود - اناشیه انوارا نیز شکسته و بخمایان  
 برتات نمودند - پس از فراغت از این عمل بد فتر روزنامه اتن که انترت - یاسان - بده ریخته کتبه اناشیه را شکسته  
 بخمایان ریختند - پس از اتمامه عمل و متفرق شدن اینان در ده تاجی - و یاسان وارد و تمام را برقرار نمودند ولی  
 از اناشیه برتات نده در بخمایان - یزوری مانده بودند و توسط اشخاص بر بوده شده بعد است  
 بطوریکه در سال ذکر نده - ون مجاز حکمی و اخذاتی تجاری اینجانب در زمان مجاز بوده است - بگو از هستی  
 سابقه کرده ام و جریان قتلایرا بنجام ادارات - عملی گزارش داده و پرونده مهیو - فراد در اد سراز تهران  
 است و سابق صورتی که اینجانب بمقامات انتضایی گزارش نمود - ام اناشیه - با او نده اینجانب در حد و دیابند هزار  
 ریال میباشد .

بانتقدیم احترامات - مصطفی وزیاری

۶/۱۱/۸۰

روزنامه	روز ۱۴ آذر ۱۳۸۰
شماره	۶/۱۱/۸۰
تاریخ	۶/۱۱/۸۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 ۹  
 پرتال جامع علوم انسانی

آدرس - قوین سدر تهرانت

## سند شماره ۷

جانسپاران میهن

شماره: ۷۶۲

تاریخ: ۳۰/۱۱/۶

پیوست: دارد

جناب آقایان خواجه نوری و لسانی نمایندگان منتخبه مجلس محترم سنا

با نهایت توقیر تصدیق میدهد

به طوریکه استحضار دارید در ساعت ۷ بعد از ظهر روز ۱۴ آذر سال جاری دفتر روزنامه قیام ملی (ناشر افکار سازمان جانسپاران میهن) مورد حمله قرار گرفت که علاوه بر خسارت به ساختمان و خرد کردن صندلیها، میزها و میلها مقدار زیادی از لوازم موجود در دفتر به غارت رفت که صورت اثاثیه و هم چنین صورت مجلس محلی و استشهاد در روز بعد با حضور پاسبان کلانتری ۲ به شماره ۴۱ بهنام شهبازی تنظیم و پرونده امر پس از تکمیل در کلانتری به دادسرای تهران فرستاده شد اینک برای استحضار آن نمایندگان محترم تلویحاً صورت مجلس تنظیمی در محل (چهار برگ) دو قطعه عکس دفتر را پس از غارت که قبلاً هم به وسیله جناب آقای فرخ سناتور محترم به مجلس سنا و جناب آقای پیراسته نماینده محترم به مجلس شورای ملی تقدیم شده تلوایفاد می‌دارد. نسبت به شناسائی حمله کنندگان متأسفانه چون این عمل در ساعت ۷ شب جمعه انجام گرفته و کسی در محل دفتر نبوده، ولی به قراری که اطلاع حاصل شده دسته‌ای که به روزنامه قیام ملی ریخته‌اند، در دفتر روزنامه‌ای به نام آپادانا تجهیز شده و عده‌ای از چاقو کشان دولتی به سرکردگی دو نفر به نام فروهر و پزشکپور و چند نفر از مجاهدین اسلام در عمل (پیشوای) آنها در روزنامه مورد انتقاد قرار گرفته بود، بوده‌اند و شعارهایی را که به دیوار نوشته بودند مؤید همین نظر بود. در خاتمه اضافه می‌نماید که طبق اظهار کسبه اطراف دفتر، معاون کلانتری ۲ نیز در محل حاضر و ناظر جریان غارت بوده و اقدامی ننموده است. امید است که آن نمایندگان محترم که خود از صاحبان قلم و طرفدار آزادی بیان و امنیت اجتماعی نویسندگان هستند نسبت به این موضوع توجه لازم مبذول فرمائید. با تقدیم احترامات [با امضای] دبیر سازمان شفیع کلبی

نشانی، خیابان شهناز اول کوچه ملک مطیعی

جانسیاران مبین

صمیمی روزنامه  
۲۰۱۱/۲

شماره ۷۶۲  
تاریخ ۱۱/۹/۱۳۸۰  
پیوست دارد

خانم کدبان غلامرضا دانی ناسیجان مستقیم مجری تحریر

بناست قوتی تصحیح میاید  
لطریحی آنگار ودریبه دریست ۷ بهبه لظلم روز ۱۴ آذر؟ سال جبرس دفتر روزنامه ناسیجان

(ناشر افکار سازانک جانسیاران مبین) مورد تجدید و غارت زدگرفت در معادلی رضارت باستان و خود کردن صندیه و نیز در دنیا  
تصدور زبیر و لولولم برجه در دفتر قیارت رفت در صورت زشایه دی چینی صمدتیس ملی و استهاد در روزنامه  
با حضور به بیان کده تر ۳ شماره ۴۱ بنام شنایزی تنظیم و پرده ابر در لظلمی در کده ترس برادران توانی زشایه  
انست برار آنگار و در ناسیجان مستقیم صمدتیس تنظیم در مبر (همپوکت) در لظلمی کس دفتر را در لظلمت  
در قیارت می پسند غایب در فرخ سنا و محرم کس سنا و غایب در بریسته ناسیجان مستقیم مجری شراعی تنظیم سنا و انگار  
نبت شناسانی جمله کتبه کمان سنا سنا چون دی کس دست یاب همه انجام گرفته و کس در مبر دفتر سنا و  
دی لظلمت کس اطلاع میبر شده و دست لظلمی روزنامه قیارت می برکتی لظلمت روزنامه ناسیجان آگاه دارانای مجری سنا  
در مبر لظلمت کس در لظلمت کس لظلمت ناسیجان فروهر در لظلمت کس و حبه لظلمت لظلمت ناسیجان اسلام در مبر (سنا و کس)  
کتابها در روزنامه مورد انتقاد قرار گرفته بود بداند و شماراتی که در بدولت نوشته بودند سنا و مبین نظر بود  
دفاعت و لغات میناید در طبقی لظلمت کس لظلمت دفتر، سنا و کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس  
برده و ادراس نوزده است. اسدیت در آن ناسیجان مستقیم در فرخ لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس  
در نیت و صبا مبر نوشته کمان مستقیم نیت ناسیجان مبر فرخ آنگار لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس  
در نیت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس

در نیت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس لظلمت کس

روزنامه ناسیجان مستقیم  
شماره ۹۰۹  
تاریخ ۱۱/۹/۱۳۸۰

نشانی خانم کدبان اول کوه چگینی لطیف

پیام بهارستان / د.س. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸

روزنامه بومیه  
 در روزنامه بومیه  
 شماره .....  
 تاریخ .....  
 تهران

بطوریکه خاطر شریف مستحضراست در تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۳۰ بنا به  
 اشاره و تمایل حکومت وقت (اقای دکتر محمد مصدق) اداره روزنامه طلوع  
 یکی دچار تبه و فساد گردید و امنیت جانی اینجانب علی هاشمی حائری  
 مدبر روزنامه طلوع مورد تهدید قرار گرفت و در همان موقع در مجلس شورا  
 ملی تحسن اختیار کردم و در اثر شکایات عده بده و توجه آقایان نمایندگان  
 دولت وقت ناگزیر شد مامورین مخصوص برای تحقیق در این واقعه بگمارد  
 مامورین تحقیق هم پس از رسیدگی گزارش دادند که واقعه مذکور تحت  
 حمایت مامورین انتظامی و پلیس دولت وقت انجام شده است ولیکن -  
 دولت آقای دکتر مصدق در آن تاریخ حاضر نگردیدند تا همین امنیت نماید  
 و نه خسارت وارده را جبران کند پس از پایان دوره شانزدهم مجلس  
 شورایی ناچار بواسطه عدم وجود امنیت تقاضا کردم در تحسن مجلس  
 سنا باشم و ریاست محترم مجلس سنا در آن تاریخ بر بنده منت گذاردند  
 و تقاضای بنده را پذیرفتند و به شماره متشکیم و امر فرمودند بپرونده امر  
 مورد رسیدگی قرار بکند و در اثر آن سرکسمریسی در مجلس سنا تشکیل  
 گردید و رسیدگی کردند ولیکن در اثر بروز وقایع و حوادث و در اقامت دولت  
 مطلق العنان آقای دکتر مصدق موضوع همچنان در برونه اجمال باقیماند  
 اکنون خواهشمند است مقرر فرمائید بپرونده امر رسیدگی و شرح بدولت  
 حاضر مرقم فرمائید که جبران خسارت و تلافی نماید . منهد تشکر و

امتنان خواهد بود  
 روزنامه بومیه

پیام بهارستان / س. ۲۵، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸